



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

معنی لغت‌های مهم درس

ایام:	جمع یوم، روزها	ره:	راه
دیدگان:	چشمان	دریغا:	دریغ، افسوس
درنگر:	نگاه کن	زنگار:	زنگ زدن، آلودگی، گرد و غبار
شمر:	به شمار آور	عار:	عیب و نقص
عیب:	نقص	بصیرت:	آگاهی
پندار:	گمان	خود پسندی:	خود خواهی
درنگر:	نگاه کن	دیدگان:	چشمان
ره:	راه	غنیمت:	با ارزش بودن، سود بردن از چیزی
فراتر:	بالا تر	گام:	قدم
متاع:	کالا	نقش:	تصویر، شکل
نیک بخش:	خوشبختی	گه:	گاه
باطل:	کار	حرص:	زیاده خواهی
خسرو:	پادشاه	فرتوتی:	پیری، ناتوانی

معنی بیت

آینه، چون نقش تو بنمود راست	خود شکن آینه شکستن خطاست
اگر آینه عیب و نقص‌هایت را به تو نشان داد، آن را نشکن، بلکه عیب و نقص‌هایت را برطرف کن، زیرا از بین بردن و شکستن آینه اشتباهی بزرگ است.	

معنی ابیات کار و شایستگی

جوانی، گه کار و شایستگی است	گه خود پسندی و پندار نیست
جوانی دوره کار، تلاش، کوشش و نشان دادن شایستگی‌هاست. دوره‌ای است که خیال‌های خام و خود پسندی و غرور در آن راه ندارد.	
چو بفروختی، از که خواهی خرید؟	متاع جوانی به بازار نیست
وقتی که جوانی را آسان از دست بدهی، دیگر نمی‌توانی آن را به دست آوری، چون جوانی، مانند کالا نیست که در بازار خرید و فروش شود و تو آن را بخری. (قدر جوانی را بدان).	
غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی	که باری است فرصت، دگر بار نیست
قدر و ارزش جوانی را بدان و در این دوره به دنبال کشف حق و حقیقت و درک آن باش، اگر جوانی بگذرد، فرصت درک حقیقت را نیز از دست می‌دهی و فرصت دوباره‌ای نخواهی داشت.	

مپیچ از ره راست، بر راه کج

چو در هست، حاجت به دیوار نیست

از راه راست به راه کج منحرف نشو و تلاش کن که همیشه در راه راست قدم برداری، وقتی که راه راست وجود دارد، نیازی به راه کج نیست. خانه‌ای که در دارد، نیازی نیست که از بالای دیوار وارد خانه شویم.

ز آزادگان، بردباری و سعی

بیاموز، آموختن عار نیست

از انسان‌های آزاده، شکیبایی و بردباری و سعی و تلاش را یاد بگیر، زیرا آموختن، عیب و ننگ نیست.

به چشم بصیرت به خود در نگر

تو را تا در آئینه، زنگار نیست

با آگاهی از خود، به خودت نگاه کن. ارزش‌های ذاتی خودت را کشف کن، قبل از اینکه پیر شوی و فرصت جوانی‌ات را از دست بدهی و قلب پاک و بی‌آلایش آلوده به زنگار شود و نتوانی حقایق را ببینی.

همی دانه و خوشه، خروار شد

ز آغاز، هر خوشه خروار نیست

دانه‌ها به خوشه و خوشه‌ها به خروار تبدیل می‌شوند و در ابتدا هیچ خوشه‌ای خروار نبوده است. تو نیز سعی و تلاش کن و مرحله به مرحله به دانش و ارزشهای خود اضافه کن، چون دانش و صفات خوب در انسان یک باره به دست نمی‌آید، بلکه با تلاش و کوشش و به مرور زمان اضافه می‌شود.

همه کار ایام، درس است و پند

دریغا که شاگرد هشیار نیست

تمام اتفاقات روزگار، همچون درسی برای همه انسان‌هاست، اما دریغ و افسوس، انسان‌هایی که همچون دانش آموزان کلاس این روزگار هستند، هوشیار و آگاه نیستند و از اتفاقات زمانه درس نمی‌گیرند.

خود ارزیابی

سوال ۱: نویسنده به چه نوع ارتباط‌هایی در دوران نوجوانی اشاره کرده است؟

نوجوان، افزون بر رابطه با خود، نیازمند رابطه‌ای دیگر نیز هست، رابطه‌ای به نام دوستی و پیوند، رابطه‌ای که وابسته به نیاز درونی است، نیازی که به نوجوان کمک می‌کند تا به خود شناسی برسد.

سوال ۲: ویژگی‌های مشترک آئینه و دوست را بیان کنید.

هر دو واقعیت‌هایی شخصی را نشان می‌دهند، راست گو هستند، اندازه و حد خود را نگه می‌دارند، نه زیاده گویی می‌کنند نه کم گویی، به دنبال برجسته کردن نکات مثبت جهت تقویت و نشان دادن نکات منفی جهت برطرف کردن هستند.

سوال ۳: به نظر شما چه ارتباطی میان نثر و شعر درس وجود دارد؟

نثر این درس به زبا ساده، ارتباط و راه‌های ارتباط با دیگران را بیان می‌کند. همچنین انسان را به خود شناسی دعوت می‌کند و زبان نقد و تفکر نقادانه را مطرح می‌کند، زیرا انسان‌ها با نقد شدن، نقص‌های خود را برطرف می‌کنند و شعر درس نیز همین ویژگی‌ها را با زبانی دیگر بیان می‌کند. این شعر انسان را به خودشناسی و قدر جوانی را دانستن دعوت می‌کند و می‌گوید، دوستان مانند آینه هستند و ما باید قدر این دوره از زندگی را بدانیم.

سوال ۴: چگونه می‌توانیم قدر جوانی و نوجوانی خود را بدانیم؟ با خودشناسی، تقویت صفات خوب و دور کردن صفات منفی از خود و علم اندوزی.

گفت و گو

سوال ۱: درباره مفهوم جمله «المؤمن مرآة المؤمن» و ارتباط آن با درس بحث و گفت و گو کنید.
 معنی جمله: «مؤمن آینه مؤمن است». آیین و وظیفه‌ای دارد. وظیفه آن صداقت و راست گویی و انعکاس واقعیت‌ها است. آیین بدون این که به کس دیگری سر ما را انتقال دهد. بدون اینکه که آبروی کسی را از بین ببرد و بدون این که عیب‌ها و اطلاعات دیگران را در اختیار ما قرار دهد با ما برخورد می‌کند. انسان‌ها نیز می‌توانند مانند آینه باشند. عیب و نقص یکدیگر را بدون داد و فریاد و نیز همان گونه که هست به همدیگر بگویند. مواظب رازهای هم دیگر باشند، مواظب آبروی انسان‌های دیگر باشند و...

سوال ۲: بیت زیر، کدام ضرب المثل را به یاد می‌آورد، در باره ارتباط این دو، توضیح دهید.
 همی دانه و خوشه، خروار شد
 ز آغاز، هر خوشه خروار نیست
 اندک اندک جمع گردد، وانگهی دریا شود.
 هم ضرب المثل و هم شعر افزایش منطقی را یادآور می‌شوند و گسترش تدریجی با تلاش و کوشش را متذکر می‌شوند.

نوشتن

سوال ۱: در میان کلمه‌های زیر، هم خانواده کدام واژه‌ها در متن درس به کار رفته است؛ آنها را بیابید و بنویسید:

غنی:	غنیمت	حجّت:	*	یوم:	ایام
مغتنم:	غنیمت	مبصر:	بصیرت	احتیاج:	محتاج
صبور:	*	دوام:	*	مساعی:	سعی
سعید:	*				

سوال ۲: در بیت زیر کنایه‌ها را مشخص کنید و معنی آنها را بنویسید.
 مپیچ از ره راست بر راه کج
 چو در هست، حاجت به دیوار نیست
 از راه راست پیچیدن، کنایه از منحرف شدن.
 به راه کج رفتن، کنایه از راه نادرست و کار اشتباه انجام دادن.

سوال ۳: با ذکر دلیل گونه‌های پرسش را مشخص کنید.
 که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
 یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟
 مصراع اول: پرسش انکاری، مصراع دوم: پرسش انکاری
 شاعر تاکید بر سوال دارد یعنی به جز خدا چه کسی توانایی دارد تا از چوب خشک میوه‌های رنگارنگ خلق کند. در مصراع دوم هم شاعر بر نکته‌ای دیگر تاکید می‌کند و می‌گوید به جز خدا کسی توانایی خلق گل‌های رنگارنگ را از بین خارها ندارد.
 خار بر پشت زنی زین سان گام
 عزت چیست؟ عزیزت کدام؟
 پرسش معمولی: قهرمانان داستان از هم دیگر پرسشی می‌پرسند که نیاز به پاسخ دارد.
 هر شب که روی به جامه خواب
 کن نیک تأمل اندر این باب
 کان روز، به علم تو چه افزود؟
 وز کرده خود، چه برده‌ای سود؟
 مصراع اول: پرسش معمولی، مصراع دوم: پرسش معمولی - چون سوالها برای پاسخ دادن پرسیده شده‌اند.

معنی لغت‌های مهم درس

آسیب:	صدمه	آیین:	روش
اکرم:	گرامی تر، گرامی ترین	کهف:	غار
بیفزاید:	اضافه کند	گم شد:	از دست داد
ذوق:	شوق	منش:	رفتار
مصائب:	سختی‌ها	خصال:	خصلت، ویژگی‌ها
خرسند:	شاد، خوشحال	خاندان:	آل، نیاکان
جامه:	لباس	پلید:	ناپسند، زشت
لاف:	ادعا داشتن	لکه:	تکه، اندازه کوچک
متعالی:	بلند مرتبه	مصاحبت:	هم نشینی، هم صحبتی
رفیق:	دوست	صفا:	زالال
می‌گریز:	دوری کن	طریقت:	راه، روش

معنی عبارت‌ها و بیت‌های مهم درس

مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل انگیزی است.
هم نشینی با یک دوست خوب و بردبار، مانند وزش نسیم دل انگیزی است.

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟
آبری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

آیا می‌دانی دیدن دوست گم شده چقدر ذوق و شوق دارد؟ لذت آن، مانند لذت باریدن ابری است که بر بیابان بر موجودات تشنه می‌بارد. همان طوری که بارش باران در بیابان همه موجودات را خوشحال می‌کند، دیدن دوباره یار غایب نیز انسان را خوشحال می‌کند.

تنهایی، یکی از سنگین تر مصائب است. یکی از سخت ترین و دشوارترین مشکلات، بدون دوست بودن است.

ذوقی چنان ندارد. بی‌دوست زندگانی. زندگی بدون دوست و یار و همدم، لذت بخش و شور انگیز نیست.

چه بسیارند کسانی که لاف دوستی می‌زنند اما در حقیقت گرگ‌هایی در جامه گوسفندان هستند.

انسان‌هایی که ادعای دوستی می‌کنند، فراوانند؛ در حقیقت این گونه افراد، گرگ صفت‌هایی هستند که در لباس دوست ظاهر شده‌اند.

تا توانی، می‌گریز از یار بد
یار بد بدتر بود از مار بود

تا جایی که می‌توانی و امکان دارد از هم نشینی و دوستی با انسان‌های بد پرهیز کن؛ زیرا دوست بد از مار زهر دار هم خطرناک تر است.

مار بد، تنها تو را بر جان زند
یار بد، بر جان و بر ایمان زند

مار فقط به جسم تو آسیب و صدمه می‌رساند، اما دوست و هم نشین بد، هم به جسم و هم به روح و ایمان و اعتقادات تو آسیب می‌زند.

گرچه پاکی، تو را پلید کند

با بدان کم نشین که صحبت بد

با انسان‌های بد و بد نام هم نشینی، نکن، زیرا هم نشینی با این گونه انسان‌ها باعث تأثیر رفتارهای ناپسند آنها در تو می‌شود. حتی اگر پاک نباشی.

لکه‌ای ابر، ناپدید کند

آفتابی بدین بزرگی را

آفتاب بزرگ و با عظمت را گاهی تکه‌ای ابر ناپدید می‌کند. (هم نشینی با انسان‌های بد هم هرچند که ما پاک باشیم، باعث ناپدید شدن پاکی ما می‌شود).

هر که با بدان نشیند. اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند، به طریقت ایشان متهم گردد. هر کس با انسان‌های بد هم نشین شود، اگر اخلاق ناپسند و رفتارهای زشت این گونه افراد در وی اثر نگذارد، به پیروی از راه و روش آنها و همراهی با آنها متهم می‌شود.

خاندان نبوتش گم شد

پسر نوح با بدان بنشست

پسر حضرت نوح (ع) به خاطر هم نشینی با انسان‌های بی دین و بت پرست، اصالت اصلی خود را که از خانواده پیامبران و خدا پرست بود، از دست داد.

پی نیکان گرفت و مردم شد!

سگ اصحاب کهف، روزی چند

سگ اصحاب کهف (یاران غار) به دنبال انسان‌های خداشناس و خوب رفت و مانند آنها دارای ویژگی‌های انسانی شد.

تا تو را عقل و دین بیفزاید

هم نشین تو از تو به‌تر و بالاتر باشد، تا باعث رشد و تعالی عقلی و علم و دین تو شود.

خود ارزیابی

سوال ۱: در متن درس، چه کسانی به عنوان مشاوران خوب، معرفی شده‌اند؟ پدر، مادر، معلمان دلسوز، مربیان با تجربه

سوال ۲: به نظر شما چرا سعدی، پسر نوح (ع) را با سگ اصحاب کهف، مقایسه کرده است؟

سعدی به تأثیر هم نشینی اشاره دارد و اینکه اگر انسان از خانواده مهمی هم باشد، دوست و همنشین بد می‌تواند او را از آن خانواده دور کند. همچنین می‌خواهد تأثیر هم نشین خوب را نیز یادآور شود اگر انسان خانواده و تبار والایی هم نداشته باشد، به واسطه هم نشینی با انسان‌های خوب و ارزشمند، ارزشمند و والا می‌شود، چون هم نشینی تأثیر خود را می‌گذارد.

سوال ۳: چرا باید از معاشرت با هم نشین بد، پرهیز کرد؟

هم نشینی و معاشرت با انسان‌های بد، اگر چه تأثیر مستقیمی بر ما ندارد اما تأثیر غیر مستقیم دارد.

سوال ۴: در انتخاب دوست به چه کسانی می‌توان اعتماد کرد؟ کسانی که ما را از هویت و اصالتمان دور نمی‌کنند، ارزش‌ها را برایمان بی‌ارزش جلوه نمی‌دهند، نگاه‌های متفاوت به زندگی دارند، باعث مثبت اندیشی در رفتار و کردار ما و نیز تقویت فکر و اندیشه ما می‌شوند.

گفت و گو

سوال ۱: درباره آیات، روایات و داستان‌ها و اشعار دیگری که درباره دوستی و دوست یابی دوره نوجوانی شنیده یا خوانده اید، گفت‌وگو کنید. بزرگان و سخن‌سرایان درباره دوست و دوستی مطالب فراوانی را بیان فرموده‌اند. بزرگان در زمینه دوست و دوست یابی هم عقیده‌اند. آنها دوست را نعمت و ارزش و احترام دوست را بر خود واجب می‌دانند. توصیه به داشتن دوست

خوب می‌کنند و از داشتن دوست بد بر حذر می‌دارند.

بیا تا قدر همدیگر بدانیم

چو مؤمن آیینۀ مؤمن یقین شد

کریمان جان فدای دوست کردند

غرض‌ها تیره دارد دوستی را

که تا ناگه ز یکدیگر نمائیم

چرا با آئینه ما رو گرانییم؟

سگی بگذار ما هم مردمانیم

غرض‌ها را چرا از دل نرانیم

مولوی

نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد...

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا...

حافظ

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

سوال ۲: درباره بیت زیر، گفت‌وگو کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

ذوق و شوقی که انسان از آمدن و دیدن یار غایب خود دارد شادابی و خوشحالی خاصی را به ما منتقل می‌کند و مانند ذوق و شوق موجوداتی است که در بیابان زندگی می‌کنند و ابر بارانی بر آنها می‌بارد. لذت دیدن دوست غایب شاید یکی از لذت بخش ترین اتفاق‌های دنیا باشد. لذتی که نمی‌توان آن را با هیچ چیز دیگر جایگزین کرد.

نوشتن

سوال ۱: حرف‌های جدول را به گونه‌ای به هم بپیوندید که واژه‌هایی از متن درس به دست آید.

ط	ب	ء	ا	ص	م
ر	س	ا	خ	خ	ع
ی	ه	ل	ء	س	م
ق	و	ذ	ل	ا	ی
ت	ل	ا	ص	خ	ق

حروف‌های پشت سرهم جدول طریقت، ذوق، مصائب، خصال

حروفی جدا از هم جدول: خصلت، سلامت، واقع، خوب و...

سوال ۲: کلمه مناسب را با توجه به جمله، انتخاب کنید.

الف) تنهایی یکی از مصائب است. (سنگین، سنگین‌تر، سنگین‌ترین)

ب) یار بد، بود از مار بد. (بد، بدترین، بدتر)

ج) سقفی بی‌ستون و این است. (عجب، عجب‌تر، عجب‌ترین)

د) میهن ما از هر کشور دیگر جهان است. (زیبا، زیباتر، زیباترین)

سوال ۳: دو نمونه پرسش‌انکاری از درس‌های پیشین بیابید و بنویسید.

یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟

ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

۱- که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

۲- دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟

سوال ۴: مفهوم کلی حکایت زیر را در یک بند بنویسید.

یکی از بزرگان، پارسایی را گفت: «چه گویی در حقِ فلان عابد که دیگران در حقِ وی به طعنه، سخن‌ها گفته‌اند.»

گفت: «بر ظاهرش، عیب نمی‌بینم و در باطنش، غیب نمی‌دانم.»

درباره دیگران زود قضاوت نکنیم، حرف‌های دیگران را ملاک قضاوت خود قرار ندهیم. روی عیب‌های دیگران تکیه نکنیم و...

فرصتی برای اندیشیدن

سوال ۱: مقصود نویسنده از جمله «افراد بینا، کم می‌بینند»، چیست؟ یعنی کمتر به آنچه می‌بینند توجه می‌کنند، کمتر به

دیده‌های خود فکر می‌کنند. با تمام وجود یک پدیده را نمی‌بینند و آن را درک نمی‌کنند.

سوال ۲: اگر شما فرصت کوتاهی برای استفاده از حس شنوایی داشتید، چه می‌کردید؟

من خوب به صداها گوش می‌کردم، سپس آنها را درک می‌کردم و می‌فهمیدم، با تمام وجودم احساسشان می‌کردم و تا جایی

که می‌توانستم با آن صداها هم حس می‌شدم و لذت می‌بردم.

